

عقبگرد توابسته بورس

آرمان: بازار سهام که در ماههای گذشته با رشد بسیاری همراه بود همزمان با بازگشایی نماد هلدینگ خلیج فارس، عقبگرد داشت و روند رشد خود را متوقف کرد. این در حالی بود که روز دوشنبه در ابتدا شاخص بورس رکورد جدیدی به ثبت رساند و قله ۵۷هزار را فتح کرده بود. همچنین، بانک ملت و مدیریت پروژه‌های نیروگاهی تأثیر مثبت در روند شاخص کل گذاشته بودند که در نهایت با ورود هلدینگ خلیج فارس، معاملات رشد شاخص به هم خورد و شاخص کل از قله ۵۷ هزار برگشت.
براین اساس هلدینگ خلیج فارس که بیش از هزار تومان سهم آن ارزش گذاری شده بود پس از این تعدیل منفی به مرز ۸۰۰ تومان رسید و با صف فروش سنگینی همراه شد. همچنین پتروشیمی ها تحت تأثیر افت هلدینگ خلیج فارس امیدی برای افزایش قیمت نداشتند و روند راکندی را طی می کردند. در این روز همچنین، بازار سهام گروه‌های سیمانی با اقبال خوبی همراه شد و خریداران بسیاری را به سمت خود کشاند. به گزارش فارس، یکی از پرتقاضاترین نمادهای معاملاتی، مدیریت پروژه‌های نیروگاهی بود با ۱۷ میلیون صف خرید همراه شد. در همین میان، رکوردهای بی سابقه بورس تهران در ماههای گذشته، رتبه آن در میان پربازده‌ترین ها را نیز جابه‌جا کرده است. بر این اساس گزارش فدراسیون جهانی بورس حاکی از آن است که رتبه نخست بازدهی شاخص در دنیا متعلق به بورس تهران است. فدراسیون جهانی بورس ها گزارش داد: بورس تهران با بیش از ۲۵ درصد رشد، حائز رتبه نخست از حیث بازده شاخص اصلی در ۶ ماهه اول سال ۲۰۱۳ میلادی شد. به گزارش مهر، ارزش مجمیع بورس های بین المللی در ۶ ماهه نخست ۲۰۱۳ با ۳ درصد افزایش به روند رو به رشد خود ادامه داد. فدراسیون جهانی بورس ها در گزارش اخیر خود به عملکرد نسبتاً مطلوب بازارهای اوراق بهادار در ۶ ماهه اول سال جاری میلادی اشاره کرد. بر این اساس، ارزش معاملات سهام بورس های این نهاد برای نخستین بار از سال ۲۰۰۸ با افزایش ۲۳ درصدی در نیمه اول سال جاری رویه رو رشد. ارزش بازارهای جهانی در پایان ماه ژوئن سال ۲۰۱۳ به بیش از ۵۶ تریلیون دلار بالغ شد که نسبت به پایان سال ۲۰۱۲ معادل ۳ درصد و نسبت به دوره مشابه سال قبل بیش از ۱۲ درصد رشد داشته است. اما از سوی دیگر اواسط مرداد ماه سال جاری، معامله ۱۷/۵ درصدی سایپا در بورس ایران یک مورد دارد که به نظر می رسد این معامله رشد دیگری را در شاخص بورس ایجاد کند. بر این اساس سازمان خصوصی سازی قصد دارد به وکالت از سازمان تامین اجتماعی بلوک ۱۷/۵ درصدی سایپا را به قیمت ۳۶۰ تومان به فروش برساند. به این ترتیب قرار است یک میلیارد و ۸۲۰ میلیون سهم این شرکت به صورت ۴۰ درصد نقد و مابقی اقساط در روز ۲۷ مرداد ماه از طریق بازار دوم بورس عرضه شود. این عرضه از سوی کارگزاری بانک ملی عرضه شد و برنده رقابت ۲۰ روز کاری مهلت دارد تا حصه نقدی را پرداخت کند. در همین میان، گزارش‌های از پربازده‌ترین صنایع بورسی حاکی از آن است که در سال جاری صنایع بورسی با سودآوری مناسب خود توانسته‌اند بازدهی مطلوبی به سهام‌داران خود بدهند؛ به طوری که از میان ۴۰ صنعت فعال در بازار سرمایه تنها یک صنعت با سود موجه مواجه به‌شماره. به گزارش ایستا، در ماه‌های اخیر که بورس تهران رونق قابل توجهی به خود گرفته و با بازدهی ۲۸ درصدی در برابر سایر بازارها خودنمایی کرده است، افراد زیادی علاقمند به سرمایه‌گذاری در بورس تهران شده‌اند؛ به طوری که تعدادی زیادی از دیگر بازارها به سمت تالار شیشه‌ای سرازیر شده و افراد عادی، سرمایه‌های خود را وارد بورس تهران کرده‌اند تا از رونق این روزهای بازار بهره‌مند شوند. در این میان بررسی روند صنایع مختلف بورس در ۴ ماه ابتدای سال نشان می‌دهد که در سال جاری صنایع بورسی با سودآوری مناسب خود توانسته‌اند بازدهی مطلوبی نصیب سرمایه‌گذاران خود کنند و از ۴۰ صنعت بورسی ۳۹ صنعت با بازدهی مطلوب مواجه شوند. این در حالی است که رتبه دوم بهترین بازدهی بورس از ابتدای سال تاکنون به صنعت غذایی تعلق گرفته است؛ به طوری که شرکت‌های زیر مجموعه این صنعت به دلیل افزایش ۱۵ درصدی قیمت لبنیات با بازدهی خیره‌کننده‌ای رو به رو شده و با سود ۱۶ درصدی را در این مدت کوتاه نصیب سهامداران خوش شانس خود کرده‌اند. نکته‌ای که در معاملات سال جاری بورس بارها از سوی کارشناسان مورد بررسی قرار گرفته، مسئله حیاتی بودن رشد شاخص بورس است. بر همین اساس برخی از کارشناسان پی حیاتی نبودن شاخص بورس تأکید می‌کنند. ما به وجود این، محمد یوسف امین داور، کارشناس بازار سرمایه معتقد است که با وجود همچنان‌هایی که در معاملات بورس از سوی برخی مشاهده می‌شود، اما بازار به صورت منطقی افت و خیزهای خود را تجربه کرده و حیاتی نیست.

نکته

۱۵ درصد جمعیت در بافت فرسوده

معاون وزیر راه و شهرسازی با اشاره به اینکه حداقل ۱۵ درصد جمعیت شهری کشور در بافت‌های فرسوده شهری سکونت دارند، گفت: بهسازی و نوسازی بافت فرسوده ۱۰۳ هزار و ۱۸۰ هکتار به تصویب کمیسیون ماده ۵ استان‌ها رسیده است. به گزارش مهر، مجید کیانپور با اشاره به اینکه بر اساس آمارهای در یافتی حداقل ۱۵ درصد جمعیت شهری کشور در بافت‌های فرسوده شهری سکونت دارند، گفت: به‌آنکه بیش از ۷۲ هزار هکتار بافت فرسوده در ۴۷۱ شهر کشور شناسایی شده است؛ به براساس برنامه پنجم توسعه وزارت راه و شهرسازی و شهرداری‌ها باید با اعمال سیاست‌های تشویقی زمینه مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برای نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری را فراهم کنند.

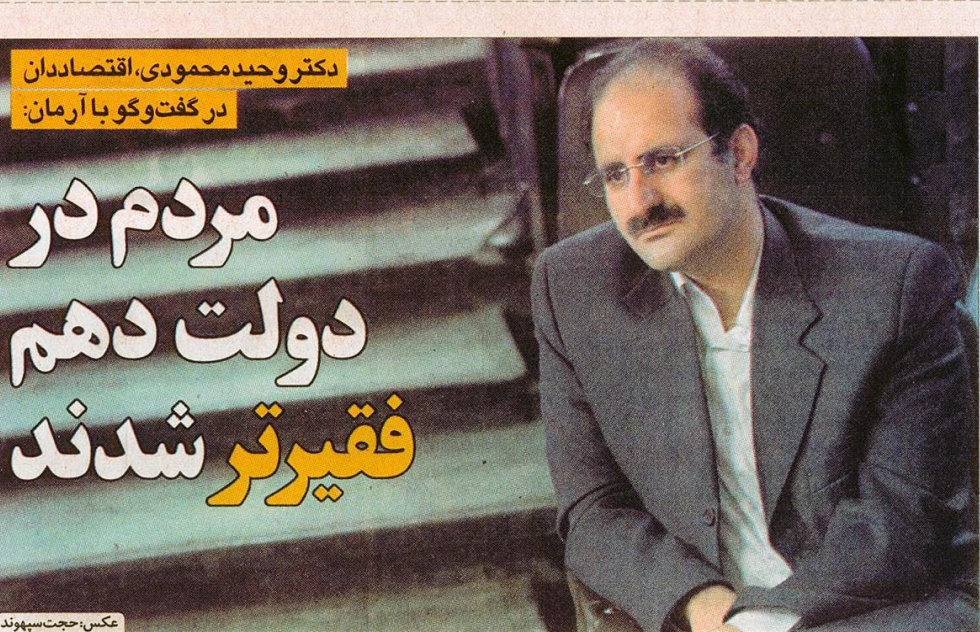
صرافی‌ها شعبه ندارند

مدیر اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی به تشریح دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر صرافی‌ها پرداخت و گفت: براساس این دستورالعمل، صرافی‌ها مجاز به ایجاد شعبه نیستند. به گزارش مهر، مرقضی ستاک با تشریح جزئیات دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر صرافی‌ها گفت: بانک مرکزی به فراخور شرایط مبادرت به به‌روز رسانی و تغییر دستورالعمل‌های صادره می‌کند. دلیل تغییر به روزآوری دستورالعمل تأسیس، فعالیت و نظارت صرافی‌ها نبود تناسب برخی مفاد دستورالعمل پیشین با فضای موجود بازار است. بنابراین با توجه به این که وجود صرافی‌های متعدد، در تشدید تقاضای کاذب از تأثیرگذار بوده، بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار بیان شد تا با اعمال ضوابط جدید تعداد صرافی‌های موجود در بازار را به نحوی تعدیل کند تا آن دسته از صرافی‌ها که دارای بینه مالی قوی و افراد با تحصیلات و سبایقه کاری مناسب و ریز قیمت هستند، در بازار باقی بمانند. ضمن آنکه برخی نهادهای مسئول نیز تغییر دستورالعمل پیشین را به بانک مرکزی توصیه کرده بودند. وی دستورالعمل جدید که تحت عنوان «دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر صرافی‌ها» به استناد ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱ و تبصره یک ماده ۹۶ قانون برنامه ۸ ساله پنجم توسعه تدوین شده است را شامل ۸ فصل خواند و افزود: فصول این دستورالعمل به ترتیب عبارتند از: تعاریف، ضوابط تأسیس، ارکان صرافی، سرمایه، اجاره نامه، فعالیت، نظارت و سایر موارد است.

طبق آمارهای ۸ سال گذشته نقش بخش کشاورزی در ایجاد اشتغال و جذب نیروی انسانی همواره نزولی بوده و هر سال در بین سایر فعالیت‌ها کم‌رنگ‌تر شده است؛ به طوری که هیچ استانی در پایان سال ۹۱ نسبت به سال ۸۲ رشد اشتغال در این بخش نداشته است. به گزارش ایستا، بررسی آمارها در فاصله ۸ سال گذشته بیانگر کاهش ۵ درصدی سهم کشاورزی در اشتغال کشور است؛ به طوری که در سال ۸۴ حدود ۲۴ درصد شاغلان در این بخش فعال بوده‌اند اما در پایان سال ۹۱

کاهش یک میلیونی کشاورزان

به ۱۸ درصد کاهش یافته‌اند. بر این اساس جمعیت شاغل در این بخش از حدود ۵ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر در سال ۸۴ به حدود ۴ میلیون در سال ۹۱ نتزل کرده است؛ به عبارتی یک میلیون از فعالان کشاورزی بیکار شده‌اند که مسکن آن گروهی از آنها در بخش‌های دیگر مشغول شده یا به طور کلی کار خود را از دست داده باشند. بر این اساس ۳۳ درصد شاغلان تهرانی در سال ۸۴ در بخش کشاورزی مشغول بوده‌اند که تا پایان سال ۹۱



عکس:حجت‌سپهوند

○ **چه گواهی بر این ادعا وجود دارد؟**
نمونه بارز آن نرخ فقر است. در این دولت درصد افسار زیر خط فقر ۱۱ درصد کاهش یافت. این در حالی است که در مطالعه‌ای که من انجام دادم در فاصله سال ۸۴ تا ۸۸ که مورد بررسی بوده ۶ درصد نرخ فقر افزایش یافته است. شاخص‌های شاکف معلوم می‌شود. اگر چه دولت‌های نهم و دهم با شکر عدالت‌محوری و با نام خدمتگزاری روی کار آمد، اما حوزه تخصصی مطالعاتش است می‌گوید: این نکته در مورد حفظ قدرت خرید مردم هم صدق می‌کند. شما نورم دولت اصلاحات و دولت‌های نهم و دهم را مقایسه کنید. دولت اصلاحات تورم را با نرخ ۱۰/۵ درصد تحویل احمدی‌نژاد داد اما این دولت قرار است کشور را با تورم ۲۰ درصدی به دولت بعد خود تحویل بدهد.

○ **اما برخی از سیاست‌های حمایتی این دولت هم مانند سیاست‌های حمایتی دولت اصلاحات بود. مانند طرح بنگاه‌های زود بازده.**

درست است که ما در دولت اصلاحات هم طرح کشور زیر خط فقر مطلق بالاست و این موضوع در ادب ابعاد و تبعات طرح بنگاه‌های زودبازده خود، احمدی‌نژاد با این طرح قابل مقایسه نبود. اجرای طرح بنگاه‌های زودبازده سبب شد که بالاترین رکورد مطالبات معوق بانکی در تاریخ کشور ثبت شود. خلاص اشتغال از سال ۸۴ تا ۹۱ تقریباً صفر است. این نشان می‌دهد به همان میزان که شغل ایجاد شده، به همان میزان هم شغل از بین رفته است. طرح ضربتی اشتغال دولت اصلاحات هم طرح موقتی نبود؛ چون هر ۲ به لحاظ پارادایم فکری یکسان بودند. در هر طرح تصور می‌شد که با پول می‌توان اشتغال ایجاد کرد. اما یک نکته باید در نظر گرفت و آن این است که ابعاد اجرای این ۲ طرح به هیچ عنوان با هم قابل مقایسه نیست. طرح ضربتی اشتغال یک طرح تشویقی برای اشتغال بود و در محدوده کوچکی هم اجرا شد. در این طرح گفته بودند هر کس بتواند برای یک نفر در کارگاه خود شغل ایجاد کند می‌تواند ۳ میلیون تومان وام بگیرد. اما بنگاه‌های زودبازده نگاهي دستوری به موضوع اشتغال داشت. رئیس جمهوری به استناد اراد دستور داده بود اگر روسای بانک‌ها، از پرداخت وام اشتغال به افراد خودداری کردند، استناد می‌تواند رئیس بانک را عزل کند. هزینه‌های این ۲ طرح هم قابل مقایسه نیست. در طرح خودم مراقب اشتغیر قدرت اصلاحات تنها حدود هزار میلیارد تومان هزینه شد اما در طرح بنگاه‌های زودبازده ۲۷ هزار میلیارد تومان! این ابعاد این ۲ طرح و اختلافشان را نشان می‌دهد. در این طرح منابع مالی و بانکی بسیار زیادی هزینه شد.

○ **طرح مسکن مهر هم یکی از پربزه‌ترین طرح‌های دولت‌های نهم و دهم بود.**
این طرح در ایده اشکال خاصی نداشت و می‌توانست به گروه‌های آسیب‌پذیر کمک کند. در حقیقت می‌توان مسکن مهر را با تمام ایرادات و مشکلاتی که دارد بهترین و موفق‌ترین طرح این دولت دانست. اما مهمترین ایرادش این بود که روی یک نقشه اجرا نکرد به برنامه‌ای که بدون شک یکی از بهترین

رفاه با تزریق پول حاصل نمی‌شود مردم عملا مزه سهام عدالت را نجشیدند منابع عظیم نفتی صرف افزایش رفاه نشد دولت خدمتگزار بودن باعث افتخار نیست

برنامه‌های توسعه و حاصل فکر بهترین کارشناسان اقتصاددانان بسود برنامه‌ای که اولین برنامه سند توسعه چشم‌انداز بود در مقابل به سراغ برنامه‌های خود رفت. بعد از آن هم دولت هیچ تلاشی برای اصلاح اشتباهات خود نکرد. در این دولت منابع عظیم با پشتوانه دلارهای نفتی صرف پروژه‌هایی شد که ایجادکننده توسعه و رفاه اجتماعی نبود. چیزی که به آن توجه نشد این بود که سیاست‌های پوپولیستی حتی اگر با منابع عظیم مالی هم همراه شود نمی‌تواند رفاه و توسعه به همراه بیاورد بلکه در مقابل می‌تواند زائل‌کننده رفاه اجتماعی باشد.

○ **یکی از سیاست‌های حمایتی دولت‌های نهم و دهم مسکن عدالت بود. مشکل اصلی این طرح چه بود؟**
مهم‌ترین مشکل کل سیاست‌های حمایتی دولت آن بود که پارادایم فکری روشنی در پشت این سیاست‌ها وجود نداشت و وابسته و زنجارفته از دیدگاه اقتصادی به طور کامل نبودند. مشکل دولت احمدی‌نژاد و شخص ایشان این بود که اقتصاد را بسیار ساده می‌دید. ساده‌سازی اقتصاد امر بسیار خطرناکی است و آثار مخربی به دنبال دارد. نمونه آن همین طرح سهام عدالت است. اصلا هدف این سهام چه بود؟ این طرح نه خصوصی‌سازی بود نه توسعه بخش تعاون و نه فقرزدایی. تنها نتیجه این طرح آن بود که عدم شفافیت‌های مالی در حوزه اقتصاد را افزایش داد. از یک طرف سازمان‌های واگذار شده در این طرح را از کنترل نهادهای نظارتی بیرون آورد و از طرف دیگر اهتمام و مدیریت دولتی را از این بخش‌ها گرفت. از طرف دیگر چون به بخش خصوصی هم واگذار نشده بود حکمرانی بخش خصوصی را هم از این شرکت‌ها گرفت.

○ **عقب پس طرح ۵۰ هزار تومان هم طرح کارشناسی شده‌ای نبود.**

نه داستان آن رقم یا این فرق داشت. آن ۵۰ تومان قرار بود به افراد بالای ۱۸ سال پرداخت شود. برنامه‌ریزی برای تعداد افرادی که قرار بود آن مبلغ را بگیرند با عدد وعده داده شده و محل تأمین آن که همان افزایش قیمت حامل‌های انرژی بود، مورد انتظار در این طرح هم قرار بود که منابع مورد نیاز از طریق افزایش قیمت حامل‌های انرژی تأمین شود اما بخش عمده‌ای در پرداخت‌های نفتی از محل نتخواه بانک مرکزی استقراض شد.

○ **اکنون نه منابع لازم برای پرداخت این بارانه**

به ۱۸ درصد کاهش یافته‌اند. بر این اساس جمعیت شاغل در این بخش از حدود ۵ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر در سال ۸۴ به حدود ۴ میلیون در سال ۹۱ نتزل کرده است؛ به عبارتی یک میلیون از فعالان کشاورزی بیکار شده‌اند که مسکن آن گروهی از آنها در بخش‌های دیگر مشغول شده یا به طور کلی کار خود را از دست داده باشند. بر این اساس ۳۳ درصد شاغلان تهرانی در سال ۸۴ در بخش کشاورزی مشغول بوده‌اند که تا پایان سال ۹۱ این میزان به ۱/۶ درصد نزول یافت.

○ **وجود دارد و نه به دلیل ایجاد انتظارات مردمی می‌توان پرداخت را قطع کرد. دولت آتی با یارانه‌های نفتی باید چه کند؟**

درست است ما در اجرای این طرح دچار یک چرخه ناخوشایند شده‌ایم. قیمت‌ها افزایش یافته‌اند و اگر چه ۴۵ هزار تومان فعلی با ۴۵ هزار تومان ۲ سال پیش برابر نیست و ارزش خود را از دست داده اما حداقل مانند مسکن عمل می‌کند. دولت نباید و نمی‌تواند یارانه را قطع کند. تنها راه موجود ادامه این یارانه را تا چند سال آینده بپردازد. تا زمانی که به قدری ارزش این ۴۵ هزار تومان ماهانه کم شود که پرداخت یا حذف آن هیچ ناراحتی از جانب مردم به همراه نداشته باشد.

○ **اما دولت کنونی با شعار ثبات در شرایط و تأمین معیشت آمده است. برای بی نتیجه شدن اثر این پول باید قیمت‌ها و تورم افزایش یابد. دقیقاً نکته همین است اگر دولت شرایط را در حالت کنونی نگه دارد این پول هم ارزش خود را در چند سال آینده حفظ خواهد کرد. اگر هم قیمت‌ها افزایش یابد و تورم بالا برود که وعده دولت محقق نشده است. باید جهت‌گیری به نحوی باشد که قیمت‌ها ثابت بماند اما این پول ارزش خود را از دست بدهد و سهم آن در سید معیشت خانوار کاهش یابد تا جایی که قطع آن هیچ حساسیتی در جامعه ایجاد نکند. اما از طرف دیگر اگر ظرف ۵ سال آینده دولت به گونه‌ای عمل کند که تورم تک رقمی شود، قدرت خرید مردم افزایش می‌یابد و آن وقت هم قطع یارانه دشوار نخواهد بود. یعنی در فرمولی که درآمد بر قیمت‌ها تقسیم می‌شود، دولت باید درآمد‌ها را همواره افزایش داده و قیمت‌ها را کاهش دهد.**

○ **اگر به جای یارانه‌های نفتی کمک‌ها در قالب یارانه‌های غیرنفتی پرداخت می‌شد آیا تبعات کمتری نداشت؟**

بله، من هم موافق که یارانه‌های غیرنفتی تبعات کمتری نداشت. اما نکته این است که دولت جدیدی که قرار است روی کار بیاید نیاز به مبانی جدیدی برای اداره کشور دارد. ما باید به این سمت برویم که یاد بگیریم اقتصاد را به گونه‌ای اداره و هدایت کنیم که نیازمند سیاست‌های حمایتی نباشیم. ما باید بتوانیم به بهبود شرایط اقتصادی و مدیریت اصلی زمینه‌های رشد اقتصادی و توسعه را فراهم کنیم. رفاه اجتماعی امری است که از لایه‌ای کارکردهای اقتصادی خارج می‌شود، نه با تزریق پول.

○ **برخی هم معتقدند کالا برگ می‌تواند در این شرایط موثر باشد.**

نه، کالا برگ با همان کوبن در این شرایط به هیچ وجه توصیه نمی‌شود. این یک سیاست دهه شصتی است. ما از آن دوران گذشته‌ایم و هیچ دلیلی وجود ندارد که یاد دیگر به سمت همان سیاست‌ها برویم. نباید بار دیگر توقع و نیاز دیگری را بین مردم ایجاد کنیم. این دلخالت‌های دولتی زائل‌کننده رفاه جامعه است.

○ **اما به نظر می‌رسد کالا برگ بهتر از یارانه نفتی است چون اگر اگر رفاه نفتی مانند گذشته نقدی بدهد چون به دلارهای نفتی مانند گذشته دسترسی ندارد، مجبور می‌شود پول چاپ کند که آن هم هزینه‌ها و تبعات خاص خود را دارد.**

چرا باید به این فکر کنیم که با روی کارآمدن دولت جدید می‌توانیم شرایط را تغییر دهیم. نکته این است که ما وجود تحریم‌ها را به‌عنوان یک اصل اساسی و دائمی در اقتصاد خود پذیرفته‌ایم. فکر می‌کنیم چون تحریم هستیم پس در شرایط محدودیت اقتصادی قرار داریم. چرا نباید این شرایط را تغییر دهیم. امروز این اقتضا وجود دارد که شرایط تغییر کند.

○ **اینکه بهتر است تحریم‌ها وجود نداشته باشد مطلوب ماست اما واقعیت این است که ما همچنان در شرایط محدودیت‌های بین المللی قرار داریم.**

چه کنیم؟ ما مجبور هستیم این شرایط را تحمل کنیم؛ می‌توانیم شرایط را تغییر دهیم. یکی از مشکلات دولت فعلی آن بود که خودش به دنبال ایجاد مناسبات خاص خود در فضای بین‌الملل بود. این دولت دوست داشت با این اقدامات تیر اول تمام رسانه‌های دنیا باشد. دولت خود توسعه‌گر اکتر به دنبال خودمشهوری. در شرایط فعلی و در آستانه تغییر دولت، اگر این یک مطالعه جدی از دولتمردان جدید نباشد، باید پذیریم که شرایط ما همین خواهد بود. چنین نگاهي نمی‌تواند برای ما رفاه مطلوب را ایجاد کند.

○ **تعدد و تکر سیاست‌های حمایتی دولت‌های پیشین هم به میزان دولت احمدی‌نژاد با کمتر بود؟**

تقریباً می‌توان گفت تنوع و تکرر سیاست‌های حمایتی در این دولت هم مانند دولت‌های پیش بود. یعنی من به قالب کمیته امداد و سازمان بهزیستی حمایت‌هایی ارائه می‌شد و هم منابع یارانه‌ای بودجه وجود داشت. اما تفاوت سیاست‌های حمایتی این دولت با دولت‌های گذشته آن بود که پیش از این نهادهای حمایتی هر کدام وظیفه خود را داشتند و منابع در اختیار آنها در بودجه سالانه تعیین می‌شد و تخصیص می‌یافت. اما با اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها هم منابع و اعتبارات دیگر طرح‌های حمایتی در بودجه سر جایی خود ماند و هم یارانه‌ها به آن اضافه شد. در صورتی که اقتضا می‌کرد با اجرای این طرح نوعی بازهمدسی در سیاست‌های حمایتی انجام می‌شود که مدیریت بهتری داشته باشد و هم به‌رووری بالاتری. درست است که در دولت‌های گذشته هم این حمایت‌ها با رویکرد توانمندساز همراه نبوده است اما در دولت‌های نهم و دهم حجم این حمایت‌ها در پرداخت یارانه‌های نقدی به شدت بالا رفت.

○ **اما این شعار خود را دولت خدمتگزار می‌داند و به این شعار افتخار می‌کند.**

این موضوع به لحاظ عملکردی اصلا باعث افتخار نیست. دولت توسعه‌گر دولتی است که سیاست‌های حمایتی را به‌نوعی هدایت می‌کند که میزان و هزینه‌های هدایت به مرور زمان کاهش یابد و مردم به استقلال برسند. بالا بردن هزینه‌های رفاه یا تزریق منابع کشور به این بخش بدون توانمندسازی اصلا کمک‌میت یا نشانه عملکرد مطلوب دولت نیست.

کار گران و هدفمندی یارانه‌ها

حمیداحاج اسماعیلی*

یکی از مهم‌ترین طرح‌های دولت دهم در راستای تقویت اقتشار ضعیف جامعه پرداخت یارانه و اجرای هدفمندی یارانه‌ها بوده است. هدفمندی یارانه‌ها به‌رغم مصوبات قانونی و پشتوانه‌های اجرایی که در آغاز از سوی ارگان‌ها و نهادهای مختلف از آن برخوردار بود، در اجرا دچار مشکلاتی شد. بخشی از این مشکلات ناشی از آزمون و خطای دولت در اجرای طرحی بود که تاکنون در کشور اجرا نشده بود. دولت در مواردی ناچار از این کار شد اما از طرف دیگر برخی از تصمیم‌گیرهای دولت در اجرا سبب برخی از مشکلاتی شد که تبعات و نتایج آن منفی‌ها متوجه قشر کارگری جامعه شد. دولت در اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بدون شک در تخصیص سهم واحدهای تولیدی، بنگاه‌های اقتصادی و بازار کار از درآمد‌های ناشی از افزایش قیمت حامل‌های انرژی کوتاهی کرد. از همان ابتدا قرار بود دولت ۳۰ درصد منابع را به صورت یارانه به واحدهای تولیدی و بنگاه‌ها بدهد تا با این منابع هم بنگاه‌ها در جریان افزایش قیمت‌ها کنترل بیشتری بر مشکلات خود داشته باشند و هم کارگران در این دوره آسیب کمتری ببینند. از ابتدا هم این وعده‌ها وجود داشت که افزایش قیمت حامل‌های انرژی بنگاه‌های کوچک را با مشکلات بسیاری مواجه می‌کند. این واحدها هم هنگام مواجهه با مشکل آسانترین و ابتدایی‌ترین راه حل را انتخاب می‌کنند؛ یعنی تعدیل نیرو. بعد از اجرای این قانون این شکل مشکلات رخ داد. هزینه‌های بنگاه‌های تولیدی افزایش یافت و صاحبان بنگاه‌ها که نمی‌توانستند هزینه‌ها را تأمین کنند تعدیل نیرو کردند. از طرف دیگر هدفمندی یارانه‌ها در ادامه با محدودیت‌های بین المللی همراه شد. یعنی در کنار افزایش قیمت حامل‌های انرژی، مواد اولیه هم دچار افزایش قیمت شد. در این شرایط بانک‌ها هم منابع لازم را در اختیار این بنگاه‌ها قرار ندادند. مجموع این حوادث در اولین وهله تأثیرش را بر رشد کارگران گذاشت. از یک طرف کارگران شغل خود را از دست داده بودند و از طرف دیگر هزینه‌های عمومی زندگی آنان افزایش یافته بود. به عبارت دیگر قیمت حامل‌های انرژی چندین درصد و قیمت‌های عمومی زندگی حداقل ۳۰ درصد افزایش یافته بود. با این حساب کارگران هم شغلشان را از دست دادند و هم قدرت خریدشان را. اما انتظار می‌رفت در کنار این مشکلات حمایت‌های اجتماعی لازم از طریق تأمین اجتماعی از کارگران بشود که این مساله هم محقق نشد. در مجموع با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و همزمانی آن با محدودیت‌های بین المللی شرایطی پیش آمد که قدرت خرید کارکن آن کاهش یافت. به همین دلیل می‌توان گفت هدفمندی با تمام آثار مثبت و منفی‌ای که داشت، مشکلاتی را برای کارگران به بار آورد.

* گزارش‌شاس بازار کار

روی خط

صادرات فرش افغانی از ایران

سختگوری وزارت بازرگانی افغانستان گفت با انعقاد توافق‌نامه‌ای با ایران، افغانستان می‌تواند با استفاده از یکی از بنادر آگاهی‌مانند میوه و فرش به هند و اروپا صادر کند. به گزارش فارس به نقل از رویترز، افغانستان امیدوار است تا با توافق با ایران بتواند از یکی از بنادر این کشور برای تقویت صادرات خود به اروپا و هند استفاده کند و با استفاده خودبه‌بنادر پاکستان برای تجارت کالا را کاهش دهد. به گفته سختگوری وزارت بازرگانی و صنایع افغانستان، ایران به کشور محصور در خشکی افغانستان اجازه خواهد داد تا از این بندر برای صادرات کالاهای مانند میوه و فرش به هند و دیگر کشورها استفاده کند. وحیدالله قاضی خیل گفت: ما می‌خواهیم به آسیای مرکزی و اروپا صادرات داشته باشیم و هند نیز خواهان استفاده از این بندر ایران برای صادرات کالا به پاکستان است. در حال حاضر، افغانستان برای انجام بخش اعظم صادرات دریایی خود به بندر کراچی پاکستان متکی است، اما استفاده از این بندر، تجار را نسبت به نش‌های سیاسی میان آمریکا و پاکستان آسیب‌پذیر می‌سازد. این اختلاف‌ها، تاکنون سبب شده است تا حداقل ۲ بار مرز پاکستان با افغانستان بسته شود. از طریق مرز پاکستان و افغانستان به علاوه تجارت کالا، هیچ‌ترانزیتی امکان‌پذیر نیست. این کشور نیز ارسال می‌شود. سختگوری وزارت بازرگانی و صنایع افغانستان افزود: اگر روابط پاکستان با ایران تیره شود، این مساله بر فعالیت‌های تجار ما تأثیر می‌گذارد. در جدیدترین اختلال رخ داده در مرز افغانستان، پاکستان، شرکت‌های خصوصی ترانزیت کالا از انتقال کالاهای افغانی به کراچی منع شدند و ارسال این کانتینرها حدود ۱۵۳ تا تاخیر انجام شد. قاضی خیل افزود: این تاخیرها نه تنها سبب فاسد شدن موادغذایی چون شیر و تخم‌مرغ شد، بلکه هزینه ۱۰ میلیون دلاری ناشی از اجاره انبار برای کانتینرهای تاخیری برای شرکت‌ها در داشت.

منتظر تکمیل فازهای جدید نباشید

یکی از بزرگترین پیمانکاران شاغل در پارس جنوبی توسعه ۳۵ ماهه فازهای این میدان مشترک گازی را «سیاسی و غیرواقعی» عنوان کرد و با تأکید بر اینکه زمان آغاز تولید گاز در فازهای جدید پارس جنوبی با شرایط فعلی مشخص است، گفت: مشکل تاجریهای پارس جنوبی کمبودشدیدمنابع مالی است. منتظر تکمیل فازهای جدید نباشید؛ به گزارش مهر، با گذشت حدود ۳۸ ماه از آغاز طرح توسعه فاز ۱۳، ۲۲ تا ۲۴ پارس جنوبی در قالب طرح‌های توسعه ۳۵، ماهه پارس جنوبی هنوز هیچ یک از سکو‌ها و خطوط لوله دریایی این چند فاز پارس جنوبی در آب‌های خلیج فارس نصب و راه‌اندازی نشده است. مهدی انصاری، مدیرعامل صدرا گفت: با گذشت ۳۸ ماه هنوز تولید هرچه‌نگار در هیچ کدام از فازهای ۳۵ ماهه پارس جنوبی محقق نشده است و این تنها مربوط به فاز ۱۳، ۲۲ تا ۲۴ نیست. وی با اعلام اینکه تعیین زمان ۳۵ ماه برای توسعه برخی فازهای پارس جنوبی یک زمان «سیاسی» و «غیرواقعی» بود، تصریح کرد: باید به زمان تعیین شده ایراد گرفت، چراکه توسعه فازهای مانند ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ که از سال ۸۵ آغاز شده و شرایط تحریم را نداشت هنوز تکمیل نشده است؛ وای به حال فازهای ۳۵ ماهه که در شرایط افزایش محدودیت‌های بین‌المللی در سال ۸۹ قرار دارند آنها امضا شد. این مقام مسئول در تشریح مهمترین مشکلات توسعه و دلایل تاخیرها در پارس جنوبی، اظهار کرد: اگر منابع مالی مورد نیاز توسعه فازهای ۳۵ ماهه به موقع و به اندازه تأمین می‌شد، توسعه این فازها در زمان به انجام می‌شد. وی افزود: با وجود آنکه صدرا تجهیزات و کالاهای اصلی و کلیدی فراساحل مورد نیاز توسعه فازهای مورد نظر را خریداری کرده است، اما حدود ۴ ماه است که به دلیل تأمین نشدن به موقع منابع مالی، این کارلا در کمرب مانده است.